



# نقش معلّم ورزش

## در زندگی من

دکتر حمید رجبی، استاد دانشگاه خوارزمی

بارها و به بهانه‌های مختلف به این

موضوع اندیشیده‌ام که در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای من، غیر از خانواده چه کسانی اثر داشته‌اند و ضریب تأثیر هر یک از آن‌ها چقدر بوده است. وقتی تمام مؤلفه‌ها را کنار یکدیگر قرار داده‌ام، دبیر ورزش دبیرستان در بالاترین جایگاه این هرم خودنمایی کرده است، زیرا دلیل اصلی انتخاب حرفه آموزش ورزش، این معلم بزرگوار بوده است.

در سال چهارم دبیرستان که آرام آرام جدا شدن از محیط مدرسه و وارد شدن به اجتماع انتخاب شغل یکی از دغدغه‌های ذهنی من شده بود، ساعت‌ها به‌ویژه شب‌ها که در خلوت پشت بام و رو به آسمان پرستاره آن روزهای تهران دراز می‌کشیدم، به این موضوع فکر می‌کردم که می‌خواهم چه شغلی داشته باشم. در خانواده ما شغل خیاطی زیاد بود. (پدر، دو عمو و دایی) و از بچگی به‌ویژه در تابستان‌ها در این شغل وردستی کرده بودم، ولی این شغل را دوست نمی‌داشتم، بلکه علاقه من به آموزش و معلمی بود و به‌ویژه در دوران راهنمایی به برخی بچه‌های محل (رضا ...، داود... و ...، کوچۀ شهید یوسفی خیابان سیلان شمالی) درس می‌دادم، حتی درس خواندن خودم هم به شیوه معلمی بود. بنابراین جمع‌بندی تفکراتم این بود که معلم شوم، اما معلم چه درسی؟

وقتی علایق و معلم‌های اثرگذار دوران زندگی خود به‌ویژه در دوران دبیرستان (دبیرستان شهید کلاهدوز، خیابان قصر، منطقه ۷ تهران) که یک گام قبل از بزرگسالی است فکر کردم، آزاداندیشی دبیر ادبیات آقای کیایی، تدریس عاشقانه دبیر زیست‌شناسی آقای خوش‌نیت، متانت و شخصیت دوست‌داشتنی دبیر فیزیک آقای سهیلی، برجستگی خاصی در مجموعه معلمان تأثیرگذار و ارزشمند برای الگو شدن داشته‌اند و همیشه فکر می‌کردم اگر روزی معلم شوم، سعی کنم تمام این ویژگی‌ها را کنار هم داشته باشم.



در کنار این سه معلم بزرگوار، نظم و جدیت دبیر ورزش، آقای قاسمی و مقبولیت او در بین دانش آموزان و نقشی که به عنوان پدر دوم بچه‌ها داشت، هر انسان عاطفی و هوشمندی را برای الگو قرار دادن او تحریک می‌کرد. او در کنار جدیت و نظمی که برای زنگ ورزش قائل می‌شد، صاحب یک بزرگ‌منشی خاصی بود که اعتماد هر کسی را جلب می‌کرد و به همین دلیل اکثر بچه‌ها او را به عنوان یک راهنما و مشاور در امور اجتماعی و مسائل عاطفی در نظر می‌گرفتند. در کنار صفات اخلاقی و اجتماعی نیکو که در آقای قاسمی وجود داشت، دو نکته اساسی و برجسته در کلاس زنگ ورزش او، این بود که ورزش درس است و نه تفریح و دیگر اینکه روی چگونه ایستادن و راه رفتن تأکید زیادی داشت و بخش اعظم نرمش‌هایی که در ابتدای زنگ ورزش شخصاً انجام می‌داد، مربوط به جلوگیری از افتادگی شانه و پشت و سپر کردن سینه بود و تأکید می‌کرد که اگر نامناسب بایستید (قوز کنید) یا صحیح راه نروید، آبروی من را برده‌اید، چون از شما سؤال خواهند کرد که معلم ورزش شما کدام آدم بی‌عرضه‌ای بوده است.

مجموعه این صفات آقای قاسمی و آموزش‌های او دلایلی بود که در سال چهارم دبیرستان، شغل آینده خود را انتخاب و برای رسیدن به آن به صورت هدفمند تلاش کردم و علی‌رغم داشتن رتبه نسبتاً خوب در کنکور سراسری سال ۶۵ و شانس قبولی در سایر رشته‌های غیرپزشکی، دبیری ورزش را انتخاب کردم و امروز علی‌رغم تدریس در دانشگاه، همچنان خود را معلم ورزش می‌دانم و موفقیت خود را مدیون تفکرات و رفتارهای معلمان هم‌چون کیایی، سهیلی، خوش‌نیت و قاسمی هستیم که حداقل تلاش کرده‌ام ادای آن‌ها را درآورم.